

## واکاوی موانع عرفی شدن حکومت دینی در افکار و باور آیت‌الله مطهری با استفاده از روش تحلیل مضمون

\*سعید قربانی  
\*\*فاطمه طاهرخانی

### چکیده

نظام اسلامی براساس اصول و مبانی و ارزش‌های دین اسلام پایه‌ریزی شده است تا جامعه را براساس مبانی دینی هدایت کند. در مقابل دین اسلام، حاکمیت مبانی عرفی بهجای مبانی دینی مطرح است که در آن دین در انزوا قرار می‌گیرد و عرفیات به عنوان تعیین‌کننده حیات حکومت در مرکز توجه قرار می‌گیرد. در جهان اسلام اندیشمندان مختلفی به این امر هشدار داده اند. سؤال قابل طرح این‌که موانع عرفی شدن نظام اسلامی در اندیشه شهید مطهری کدامند؟ روش به کارگیری در این پژوهش تحلیل مضمون خواهد بود. یافته‌های پژوهش همچون اصلاح نگرش نسبت به دین اسلام، خودباوری، نگرش چندبعدی به اسلام، استقلال سیاسی، شناخت و معرفت دقیق به اسلام و به کارگیری صحیح آن، اخلاص در امور و امر به معروف و نهی از منکر و مانند آنها حکایت از این دارند که موانع عرفی شدن نظام سیاسی از نگاه شهید مطهری در سه بعد بینشی اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی ریشه دارد که در صورت توجه جامعه اسلامی صیانت پیدا می‌کند.

### واژگان کلیدی

اسلام، شهید مطهری، عرفی شدن، سکولار شدن، مسلمانان، نظام اسلامی.

saeed67110@yahoo.com

\*. دانش آموخته دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران.

\*\*. استادیار گروه فلسفه سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۲

## ۱. بیان مسئله

حکومت اسلامی براساس مبانی و ارزش‌های اسلامی پایه‌گذاری شده است که هدایت‌کننده جامعه براساس اصول اسلامی است و دین در متن جامعه در ابعاد مختلف حکومتی نقش اصلی دارد. در مقابل این مفهوم، معنای دیگری نیز قابل تصور است و آن هم سکولار شدن (عرفی شدن) حکومت است که در آن دین از متن جامعه به حاشیه رانده می‌شود و قانون صرف بشری بر جامعه حکم فرما می‌گردد. در این مقاله از میان متفکران مسلمان مخالف سکولاریسم، به اندیشه آیت‌الله مطهری توجه خواهد شد. سؤال اصلی مطرح شده در مقاله این است که از منظر آیت‌الله مطهری، موانع عرفی شدن نظام چیست؟ روش به کار گرفته شده در این پژوهش، از نوع تحلیل مضمون است. موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اندیشه شهید مطهری در سه بعد بینشی - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، قابلیت تحلیل و بررسی دارد. در نگاه شهید مطهری صرف بعد فرهنگی و سیاسی و اجتماعی نمی‌تواند جامعه اسلامی را در مقابل آسیب عرفی شدن رهایی بخشد، لذا جهت آسیب‌شناسی و دوری از آسیب‌دیدگی جامعه اسلامی، ضرورت دارد که به موارد یادشده توجه شود که در ذیل مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

## ۲. پیشینه پژوهش

در باب سکولاریسم و زمینه‌های نفوذ آن در جوامع مختلف اسلامی از نگاه روشنفکران و محققان داخلی و خارجی، کتاب‌ها و مقالاتی نگاشته شده است، ولی پژوهشی که به صورت منسجم اندیشه متفکران انقلاب اسلامی را در باب زمینه‌های بازدارندگی در قبال سکولاریسم به رشته تحریر درآورده باشد، مشاهده نشد. لذا به نوعی، نوآوری پژوهش حاضر، بررسی نگاه آیت‌الله مطهری در رابطه با زمینه‌های بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران از رخنه مبانی سکولاریسم است. در زیر به مواردی از مباحث، تحت عنوان پیشینه و سابقه پژوهش در باب ارتباط با موضوع حاضر اشاراتی می‌شود: ماهروزاده (۱۳۹۵) در کتابی تحت عنوان *مبانی فلسفی و اجتماعی سکولاریسم و مدرنیسم: چالش‌هایی در حوزه معرفت* دینی روندهای ظهور و تجلی سکولاریسم را در جهان غرب مورد بررسی قرار داده است و کلیسا را مهم‌ترین عامل در بروز مبانی سکولاریسم دانسته است. قدردان قرامکی (۱۳۸۰) در کتابی تحت عنوان *سکولاریزم در مسیحیت و اسلام زمینه‌های تجلی و ظهور سکولاریسم در غرب را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که به دلیل عملکرد انحرافی و فساد حامیان مسیحیت، سکولاریسم در ابعاد زندگی اجتماعی، جایگزین مسیحیت شده است. صفری (۱۳۹۸) در پایان نامه بررسی *چگونگی بازنمایی جلوه‌های عام و خاص مدرنیته در اندیشه اسلام سیاسی شیعه؛ مطالعه موردی اندیشه سیاسی امام خمینی و مرتضی مطهری**

تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی جلوه‌های عام و خاص مدرنیته علی‌الخصوص بحث سکولاریسم را از منظر امام خمینی و شهید مطهری مورد واکاوی قرار دهد. میراحمدی (۱۳۸۷) در کتابی تحت عنوان **سکولاریسم اسلامی: نقدی بر دیدگاه روشنگران مسلمان** مسئله سکولاریسم در جهان اسلام را مورد واکاوی قرار داده است. مریجی (۱۳۸۷) در کتابی تحت عنوان **سکولاریسم و عوامل اجتماعی شکل‌گیری آن در ایران** در ابتدای بحث، اصول و مبانی سکولاریسم را بررسی کرده و در ادامه رابطه بین اسلام و سکولاریسم را مورد توجه قرار داده است. بریهی (۱۳۹۶) در رساله **بررسی فقهی و حقوقی آثار سکولاریسم** ضمن بررسی مفهومی سکولاریسم، تلاش کرده است تا با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، آثار و پیامدهای عرفی شدن را براساس نگاه فقهی و حقوقی مورد تبیین و بررسی قرار دهد. امیدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان **چالش‌های سکولاریستی و حیطه عمل حکومت اسلامی** مفهوم سکولاریسم را در سطوح مختلف آن مورد واکاوی قرار داده است و در ادامه مؤلفه‌های سکولاریسم را بررسی کرده است. محمدرحمیم عیوضی و همکارش (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان **دیدگاه حضرت امام خمینی درباره مبانی سکولاریسم** نگرش امام در باب سکولاریسم و خصوصی شدن دین در عرصه حیات انسان را مورد بررسی قرار داده است و نگاه امام در رابطه با عدم دخالت دین در عرصه اجتماعی و محصور شدن آن در بعد فردی صرف را نشان داده است. کمالی اردکانی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان **نقد سکولاریسم از دیدگاه امام خمینی** ارتباط بین دین و سیاست و نقش سیاسی اسلام در جامعه اسلامی از منظر امام را مورد واکاوی و تبیین قرار داده است. جعفری (۱۳۸۱) در مقاله‌ای تحت عنوان **سکولاریسم از دیدگاه شهید مطهری** ارتباط دین و سیاست در اسلام و حکومت اسلامی را مورد عنایت قرار داده و نتیجه گرفته است که از منظر شهید مطهری دین و سیاست توأمان هستند و جدایی بین آنها محلی از اعراب ندارد.

درمجموع پژوهش‌های ذکر شده، روند نگاه اسلام و سکولاریسم نسبت به یکدیگر را مورد واکاوی قرار داده‌اند. از این‌رو نوآوری پژوهش حاضر این است که نگاه آیت‌الله مطهری را نسبت به زمینه‌های بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران از رخنه سکولاریسم مورد واکاوی قرار می‌دهد و نوآوری دیگر، استفاده از روش تحلیل مضمون خواهد بود.

### ۳. مباحث بنیادین و چارچوب مفهومی پژوهش

#### ۱-۳. جامعیت مکتب اسلام

از نگاه شهید مطهری، دین اسلام آیینی است جامع که شامل تمام شئون حیات بشر، اعم از ظاهری و

باطنی می‌گردد و در عین حال که مکتبی تهذیبی و اخلاقی است، سیستمی اجتماعی و سیاسی هم به شمار می‌رود (روستایی، ۱۳۸۱: ۷۵) او در تشریح همه‌جانبه بودن احکام و آموزه‌های دین اسلام، مجموعه تعليمات اسلامی را در سه بخش عقاید، اخلاقیات و احکام قابل تقسیم دانسته و در اینباره می‌نویسد:

اسلام که بر چنین جهان‌بینی بنیاد شده است، مکتبی است جامع و واقع‌گرا. در اسلام به همه جوانب نیازهای انسانی - اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی - توجه شده است.

شهید مطهری آموزه‌های اسلام را در سه بخش تقسیم می‌کند که بیان‌گر جامعیت دین اسلام و گسترده‌گی قلمرو آن است. این سه بخش عبارت‌اند از:

- الف) اصول عقاید، یعنی چیزهایی که وظیفه هر فرد، کوشش درباره آنهاست. کاری که در این زمینه بر عهده انسان است، از نوع کار تحقیقی و علمی است.
- ب) اخلاقیات، یعنی خصلت‌هایی که وظیفه یک فرد مسلمان این است که خویشن را به آن خصلت‌ها و خوبی‌ها بیاراید و از اضداد آنها خویشن را دور نگهدارد. کاری که در این زمینه بر عهده انسان است، از نوع مراقبت نفس و خودسازی است.
- ج) احکام، یعنی دستورهایی که به فعالیت‌های خارجی و عینی انسان، اعم از فعالیت‌های معاشی و معادی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی مربوط است. (مطهری، ۱۳۶۲ / ۵۴)

مطهری یکی از امتیازهای سید جمال را معرفی اسلام به عنوان دین جامع و بی‌نیازکننده جوامع بشری دانسته و می‌گوید:

باز به‌دبیال همین برنامه که می‌خواست اسلام را مکتب و ایدئولوژی جامع و بی‌نیازکننده معرفی کند، به دفاع از انتقادهایی که از اسلام در اروپا می‌شد، پرداخت. در اروپا علیه اسلام تبلیغ می‌شد که اسلام دین جبری و قضا و قدری است و آزادی فرد را نفی می‌کند و علت انحطاط مسلمانان، اعتقاد آنها به قضا و قدر جبری و کور است و می‌گفتند اسلام ضدعلم است، دوری مسلمانان از علم را باید در تعليمات خود اسلام جست. سید در مجله عروة‌الوثقی و در مقاله‌ای مستقل، از نظریه اسلام درباره قضا و قدر دفاع کرد و آن را در شکل اسلامی‌اش نه تنها عامل انحطاط ندانست، بر عکس عامل ترقی و تعالی شمرد و همچنین به ارنست رنان، فیلسوف فرانسوی معاصرش که به اسلام تاخته بود و آن را ضدعلم و عامل انحطاط مسلمین به حساب آورده بود، پاسخ داد. (مطهری، ۱۳۷۰: ۲۳)

در اندیشه شهید مطهری دین اسلام، دین جامعی است که خدا و انسان را به یکدیگر پیوند زده است، به طوری که در یک طرف آن الله است و در طرف دیگر آن بشر به عنوان خلیفه الهی جای دارد:

اسلام دینی است از طرف خدا برای انسان که در این جهان زندگی می‌کند. پس این دین یک سرش به خدا وابسته است و یک سرش به انسان، و انسان موجودی از موجودات این جهان است و یکی از مختصاتش این است که زندگی او یک زندگی اجتماعی است. (مطهری، ۱۳۹۸ ب: ۴۳)

شهید مطهری در باب دیگری به چند بعدی بودن اسلام اشاره کرده و در این باره اذعان می‌کند:

این مكتب مقدس الهی به همه ابعاد انسان، اعم از جسمی و روحی، مادی و معنوی، فکری و عاطفی، فردی و اجتماعی توجه عمیق داشته است. (مطهری، ۱۳۸۹)

### ۲-۳. اسلام، سیاست و حکومت‌داری

از نگاه شهید مطهری دین اسلام دین حکومت‌داری است، مبنای دین این نیست که صرفاً دعوتی صورت گیرد و مردم مشغول در معنویات شوند، بلکه هدف دین اسلام تشکیل حکومت و پیاده‌سازی آموزه‌های الهی است: «اسلام دین سیاست است، اسلام دین اجتماع است». (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۴) مطهری دولت و حکومت را مظہر قدرت و عدالت و قانون دانسته و در این زمینه آورده است:

پس دولت و حکومت در حقیقت یعنی مظہر قدرت جامعه در برابر هجوم خارجی و مظہر عدالت و امنیت داخلی و مظہر قانون برای داخل و مظہر تصمیم‌های اجتماعی در روابط با خارجی. (مطهری، ۱۳۷۸، الف: ۱۰ / ۴۹)

براساس بیانات شهید مطهری، در نگاه محمد عبده، در اسلام ظرفیت و توانایی جهت اداره جامعه اسلامی وجود دارد؛ لذا بر امت اسلامی است که بر مبانی اسلامی تکیه کند:

عبده مانند سید جمال دربی آن بود که ثابت کند اسلام توانایی دارد که به صورت یک مكتب و یک ایدئولوژی، راهنمای و تکیه‌گاه اندیشه جامعه اسلامی قرار گیرد و آنها را به عزت دنیایی و سعادت اخروی برساند. از این‌رو سعی داشت فلسفه‌های دنیایی و اجتماعی مقررات اسلامی از قبیل نماز و روزه و حج و زکات و انفاق و استحکام اصول اخلاقی اسلام را روشن نماید. (مطهری، ۱۳۷۰: ۳۷)

از منظر شهید مطهری، نگاه اسلام به دولتها و ملت‌ها براساس ملیت و قومیت نیست، بلکه نگاهی فراتر و بر مبنای دین و بینش دینی است:

در دین اسلام، ملیت و قومیت به معنایی که امروز میان مردم مصطلح است، هیچ اعتباری ندارد، بلکه این دین به همه ملت‌ها و اقوام مختلف جهان با یک چشم نگاه می‌کند و از آغاز نیز دعوت اسلامی به ملت و قوم مخصوصی اختصاص نداشته است، بلکه این دین همیشه می‌کوشیده است که به وسائل مختلف، ریشه ملت‌پرستی و تفاخرات قومی را از بیخ و بن برکند. (مطهری، ۱۳۸۹: ۶۲)

### ۳-۳. پیوند دیانت و سیاست

مطهری از میان ادیان و مذاهب گوناگون، اسلام را یگانه دینی می‌داند که در شؤون حیات مردم واردشده و مداخله کرده است و رابطه متقابل با مقوله سیاست و حکومت دارد و نسبت این دو مقوله را نسبت روح و بدن و مغز و پوسته توصیف می‌کند. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۸) وی پیوند دین و سیاست را از زاویه نگاه امام خمینی مورد واکاوی قرار می‌دهد و از این زاویه مخالفت خود را با جدایی دین از سیاست ابراز می‌کند:

مسئله عدم جدایی دین از سیاست را مطرح کردند و اینکه در اسلام دین از سیاست جدا نیست... علمانیت یعنی جدایی دین از سیاست، حساب دین باید از حساب سیاست جدا باشد. بعد از سید جمال روی زمینه علمانیت فوق العاده کار کرده‌اند. در مصر افراد زیادی پیدا شدند با رنگ ملی‌گرایی، ناسیونالیستی، پان‌عربیسم و تکیه بر قومیت برای این که فکر جدایی دین از سیاست را تبلیغ کنند. اخیراً هم دیدید که انور سادات همین مسئله را باز دیگر مطرح کرده که دین را به سیاست چه کار؟ دین مال مسجد است، دین کار خودش را در مسجد باید انجام بدهد، مذهب را چه کار که در مسائل سیاسی مداخله کند. این مسئله زیاد مطرح شده بود ولی وقتی که مردم از زبان یک مرجع تقليد، کسی که کوچکترین آداب مذهبی خودشان را با وسوسات تمام کوشش می‌کنند با دستورهای او منطبق کنند، در کمال صراحت می‌شنوند دین از سیاست جدا نیست. (مطهری، ۱۳۸۵: ۸۷)

از منظر شهید مطهری، دین همانند مغز و سیاست به سان پوسته است. پوسته وسیله‌ای جهت صیانت از هسته و مغز است، ولی وقتی پوسته جدا شد، به درد جامعه نمی‌خورد و امت اسلامی را به انحراف و تحریف و بدعت سوق می‌دهد:

این روح و بدن، این مغز و پوست باید به یکدیگر بپیوندد. فلسفه پوست حفظ مغز است، پوست برای حفظ مغز است. اهتمام اسلام به امر سیاست و حکومت و جهاد و قوانین سیاسی برای حفظ مواريث معنوی یعنی توحید و معارف روحی و اخلاقی و عدالت اجتماعی و مساوات و عواطف انسانی است. اگر این پوست از این مغز جدا باشد البته مغز گزند می‌بینند و پوست خاصیتی ندارد، باید سوخته و ریخته بشود. (مطهری، ۱۳۷۸ / ۹: ۱۸۵)

#### ۴. روش تحقیقات کیفی و تحلیل مضمون

تحلیل مضمون روشی است که عموماً جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در تحقیقات کیفی اولیه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. (بخت‌آزمای و منتظر خراسان، ۱۳۹۶: ۲۸) تحلیل مضمون، روشی جهت شناختن، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. روش مذکور، فرآیندی برای تحلیل داده‌های متئی می‌باشد و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی تفصیلی و غنی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون فقط روش کیفی خاصی نیست؛ بلکه روندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد. به صورت کلی تحلیل مضمون روشی برای دیدن متن، برداشت و درک و فهم مناسب از اطلاعات و یافته‌های علی‌الظاهر بدون ارتباط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظاممند فرد، تعامل، گروه، سازمان، موقعیت و فرهنگ و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی است. برای تحلیل مضمون می‌توان از نرم افزارهای تحلیل محتوای کیفی هم بهره برد. روش مذکور از شمارش کلمات و عبارات ظاهری فراتر می‌رود و جهت شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی متمرکز می‌گردد. سپس از کدهای مضماین اصلی جهت تحلیل عمیق داده‌ها بهره‌برداری می‌شود. از فراوانی نسبی مضماین می‌توان جهت تطبیق و مقایسه آنها و ایجاد ماتریس مضماین و ترسیم شبکه مضماین در تحلیل مضمون استفاده کرد. (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۴ - ۵۳)

#### ۴-۱. مراحل روش تحلیل مضمون

##### ۴-۱-۱. تحویل متن و استخراج مضماین پایه‌ای

برای شروع کار تحلیل مضماین در اندیشه متفکران لازم است تا مضمون‌های پایه استخراج شود و نخستین مرحله، تحویل متن است. در این مرحله، نقل قول‌های مربوط به شهید مطهری در خصوص موانع عرفی شدن حکومت اسلامی استخراج می‌شود. این مضماین در کدهایی سازمان‌دهی می‌شوند که با عنوان مضماین پایه‌ای شناخته می‌شوند. این مضماین برای شکل‌گیری مضماین فرآگیر لازم هستند و اگر روند استخراج کدها و مضماین عام به خوبی انجام نشود، بستر استخراج مضماین فرآگیر فراهم نمی‌شود.

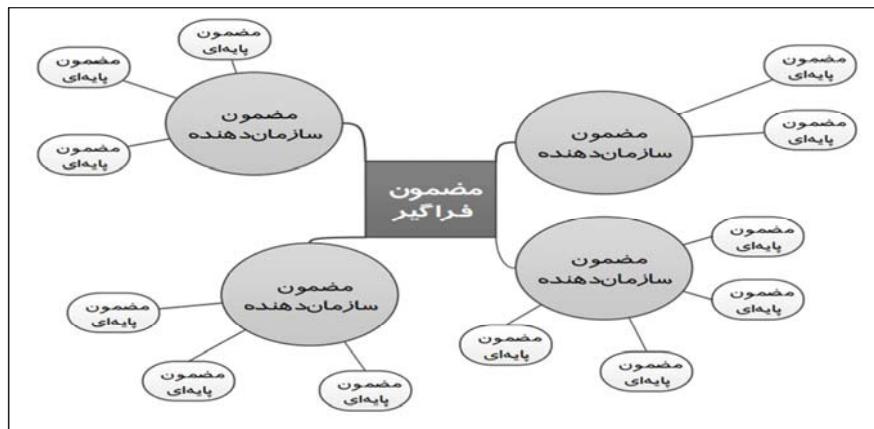
##### ۴-۱-۲. تبدیل مضماین پایه به مضماین فرآگیر

در مرحله دوم تحلیل مضمون، مضماین پایه‌ای به مضماین فرآگیر تبدیل می‌شوند. در این مرحله، مضمون‌های سازمان‌دهنده از مضماین استخراج شده، از مرحله تحویل متن نیز انتزاع می‌شوند. اقدام اساسی در این مرحله، سازمان‌دهی مجدد مضماین اولیه برای ارائه مضماین انتزاعی‌تر است که فرصت

دستیابی به مضامین اصلی و فرآگیر را فراهم می‌آورد. مضامین فرآگیر نیز اصلی، مرکزی و جامع‌تر نسبت به مضامین مرحله اول می‌باشد و امکان توصیف شبکه مضامین را فراهم می‌آورد.

#### ۴-۳-۱. کشف و توصیف شبکه مضامین

بعد از استخراج مضامین پایه و فرآگیر در مرحله اول و دوم تحلیل مضمون، فضای لازم برای توصیف و تشریح مضامین مربوط به موانع عرفی شدن حکومت اسلامی در اندیشه شهید مطهری فراهم می‌شود. با بررسی مضامین استخراج شده و کدگذاری‌های لازم، شبکه مضامین تشریح و توصیف می‌شود. در انتهای این مرحله، مجموعه مضامین مندرج در جداول تحلیل مضمون به صورت تحلیلی ارائه می‌شود و نمودار شاخص شبکه مضامین ارائه می‌شود.



شکل شماره ۲. ساختار شبکه مضمونی (درخشش و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵)

#### ۱. تحویل متن و استخراج مضامین پایه

در این بخش، مضامین پایه و کدهای ابتدایی مربوط به موانع عرفی شدن در اندیشه شهید مطهری در جدول ارائه می‌شود تا بسترهاست خراج مضمون‌های فرآگیر در مرحله بعد فراهم شود.

جدول شماره ۱. تحویل متن و استخراج مضامین پایه موانع عرفی شدن  
در اندیشه شهید مطهری

ردیف	متن	مضامین پایه
۱	علمای اسلام ثابت کردند که منابع اسلامی اگر مقررون به حسن تشخیص و حسن استنباط باشد، قادر است با یک اجتماع مت Hollow و متمکن پیش برود و آن را راهنمایی کند؛ همچنین ثابت کردند که حقوق اسلامی زنده است و قابلیت دارد تا با مقتضیات ناشی از متمکن می‌شود.	حسن تشخیص و حسن استنباط از منابع اسلامی منجر به تشکیل اجتماع

ردیف	متن	مضامین پایه
	پیشرفت زمان، هماهنگی کند و به احتیاجات هر عصری پاسخ بگوید.	استنباط صحیح از منابع اسلامی عامل پاسخ‌گویی صحیح به مسائل نوین بشری می‌شود.
۲	در قرن اول هجری، اصول و داعیه‌های توحیدی و اسلامی آنچنان آشکار و روشن به مردم ابلاغ گردید که تمام مردم متمدن آن روزگار، با جان و وجودان خویش پذیرای آنها شدند و به سرعت یک ملت مشترک یا «بین‌الملل اسلامی» به وجود آمد.	تفرقه و دوری از وحدت مانع ترویج روح توحید در جامعه می‌شود.
۳		مفاهیم واقعی اسلام ترویج‌کننده وحدت و اتحاد دینی هستند.
۴		شناخت منطق اسلام امری ضروری برای امت اسلامی است.
		سیره انبیاء نشان می‌دهد که شناخت صحیح اسلام از امور مهم و اساسی در نظام دینی است.
		شناخت درست و منطقی اسلام مانع ترویج افکار ماتریالیستی در بین جوامع اسلامی می‌شود.
		ایمان لازمه حیات امت اسلامی است.
		انسان نمی‌تواند بدون داشتن ایده و آرمان و ایمان، زندگی سالم داشته باشد و یا کاری مفید و ثمربخش برای بشریت و تمدن بشری انجام دهد. هیچ وقت از لاک منافع فردی خارج نمی‌شود و یا به صورت موجودی مردد و سرگردان می‌شود که تکلیف خویش را در زندگی و در مسائل اخلاقی و اجتماعی نمی‌داند.
		بدون ایمان نمی‌توان به حیات سعادتمندانه ادامه داد.

ردیف	متن	مضامین پایه
۵	ایمان واقعیت و حقیقتی است مربوط به روح انسان نه مربوط به بدن انسان که به ریشه این امور - که عبارت است از یک حالت قلبی و فکری و اعتقادی - مربوط است.	ایمان حالتی قلبی، فکری و اعتقادی است که مربوط به حقیقت انسان است.
۶	نیرو گرفتن اسلام به این است که بر ایمان پیروان اسلام افزوده شود و عمل پیروان اسلام با اسلام انطباق پیدا کند و بر عدد پیروان اسلام افزوده شود. تقویت اسلام، به این است که مسلمانان قوی‌تر باشند.	تقویت جایگاه اسلام به ارتقاء ایمان راستین، پیروان بستگی دارد.
۷	آن چیزی که بیش از هر چیز حق را محترم، عدالت را مقدس، دل‌ها را به یکدیگر مهربان و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار می‌سازد، تقوا و عفاف را تا عمق وجود آدمی نفوذ می‌دهد، به ارزش‌های اخلاقی اعتبار می‌بخشد و همه افراد را مانند اعضای یک پیکر به هم پیوند می‌دهد و متعدد می‌کند، ایمان مذهبی است.	قوی بودن امت به وسیله ایمان راستین منجر به حرast از اسلام می‌شود.
۸	هر ملتی که واقعاً پایبند به این دین باشد، سعادتمند خواهد شد.	پایبندی به دین اسلام منجر به پیشرفت و سعادت ملت می‌شود.
۹	مسلمین در هر عصری متناسب با امکانات فکری و عملی خود تحت تأثیر شوق و عشقی که به کتاب آسمانی خود داشتند، درباره قرآن کار کرده‌اند. از قبیل یادگرگتن و به خاطر سپردن، قرائت نزد استادان قرائت و تجوید، تفسیر معانی، توضیح و شرح لغات قرآن در کتب لغت مخصوص این کار، بر شمردن آیات و کلمات و حتی حروفی که در مجموع قرآن به کار رفته است.	پایبندی به مضامین و محتوای قرآن باید در مسائل حقوقی، اخلاقی، فلسفی، عرفانی، علمی و... هویدا باشد.
۱۰	اگر دقت کرده باشید این مسئله که جامعه بشری بدون آن که هیچ‌گونه معنویتی داشته باشد قابل بقا نیست، منکر و مخالف ندارد. حتی مکتب‌ها و پیروان مکتب‌هایی که مادی فکر می‌کنند و جهان و جامعه و حرکات آن را مادی تفسیر می‌کنند، اعتراف دارند که جامعه به نوعی از معنویت نیازمند است.	بقاء جامعه بشری با معنویت پیوند خورده است.

ردیف	متن	مضامین پایه
۱۱	اقبال احیای فکر دینی، بدون احیای معنویت اسلامی بی‌فائده است.	احیای معنویت از ملزومات جامعه دینی است.
۱۲	یک نهضت خدایی یعنی یک نهضت مذهبی که ضرورتاً باید در آن خلوص، حکم فرما باشد و اگر نوعی ناخالصی، هوا و هوس، طمع، بالخصوص در رهبران، نفوذ پیدا بکند، نهضت مذهبی زود از بین خواهد رفت.	اخلاص از مسائل مهم در نهضت مذهبی است.
۱۳	خود این جامعه و خویشتن اصیل این جامعه و رکن رکین شخصیت این روح جمعی، اسلام و فرهنگ اسلامی است. نخستین کار لازمی که مصلحان باید انجام دهند، بازگرداندن ایمان و اعتقاد این جامعه به «خود» واقعی او یعنی فرهنگ و معنویت اسلامی است و این است فلسفه خودی.	باید با هوا و هوس در نظام اسلامی مقابله کرد و اخلاص را مدنظر داشت.
۱۴	عنصر دیگری که در روح مردم ما پدید آمد و بذر دیگری که کاشته شد و موجب انقلاب روحی و تغییر بنیادی در آنها شد - که این دومی را بالخصوص می‌توانم بگویم که شاید به طور انحصار از سید جمال شروع شد - عنصر و بذر احساس شخصیت بود. به مردم ما احساس شخصیت دادند یعنی خودباختگی را از مردم ما گرفتند.	شناخت خود لازمه تعالی فردی و جمعی است.
۱۵	اسلام عنایت خاص دارد که انسان خود را بشناسد و جا و موقع خویشتن را در جهان آفرینش تشخیص دهد. این همه تأکید در قرآن در مورد انسان برای این است که انسان خویشتن را آن چنان که هست، بشناسد.	مصلحان اجتماعی باید مترصد تقویت خودشناسی باشند.
۱۶	اسلام نخستین و اسلام راستین، بدعت‌ها را از میان بردن و سنت‌های اصیل را جایگزین کردن است؛ یعنی اصلاحی در فکرها و اندیشه‌ها و تحولی در روح‌ها و ضمیرها و قضاؤت‌ها در زمینه خود اسلام.	درک و فهم خویشتن از تأکیدات اسلام است.
۱۷	او برای مبارزه با این دو عامل فلوج کننده (استبداد و استعمار)، آگاهی سیاسی و شرکت فعالانه مسلمانان را در سیاست واجب و لازم شمرد و برای تحصیل مجد و عظمت از دست رفته مسلمانان	آگاهی و بصیرت نسبت به اسلام راستین امری ضروری است.

ردیف	متن	مضامین پایه
	و به دست آوردن مقامی در جهان که شایسته آن هستند، بازگشت به اسلام نخستین و در حقیقت حلول مجدد روح اسلام واقعی را در کالبد نیمه مرده مسلمانان، فوری و حیاتی می‌دانست... مردی بود طرفدار بازگشت به اسلام نخستین، به قرآن و سنت و سیره سلف صالح به قول خودش و مبارزه با خرافاتی که به اسلام در طول تاریخ بسته شده است.	است.
		بازگشت به اسلام راستین رمز مقابله با ضعفها و تهدیدات است.
		مارازه با خرافات و بازگشت به آموزه‌های وحیانی مورد تأکید اندیشمندان اسلامی است.
	امریبه معروف و نهی از منکر منجر به خروج از وضعیت نامطلوب می‌شود.	امریبه معروف و نهی از منکر یعنی تو باید برای طرد، نفی و انکار این وضع جهت برقرار ساختن وضع مطلوب و ایدئال کوشش کنی.
		امریبه معروف و نهی از منکر یک اصل اجتماعی است.
	امریبه معروف برآمده از مسئولیت و تعهد فردی و جمعی در اسلام است.	امریبه معروف و نهی از منکر همین است که ای انسان! تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار مسئول و متعهد نیستی، تو در مقابل اجتماع خود هم مسئولیت و تعهد داری.
		امریبه معروف و نهی از منکر منجر به توجه جامعه نسبت به کاستی‌ها می‌شود.
	اصلاح نظام سیاسی و اجتماعی وابسته به امریبه معروف و نهی از منکر است.	امریبه معروف و نهی از منکر برای این است که محیط باید اصلاح بشود و تا محیط یعنی جامعه و روح اجتماعی اصلاح نشود، فرد توفیق صدرصد پیدا نمی‌کند.
		امریبه معروف منجر به اصلاح محیط جمعی و روح اجتماع می‌شود.
	یکی از دستورها و مقررات اسلامی که شامل همه مسلمانان است، مسئله لزوم تعظیم شعائر دینی مورد تأکید آموزه‌های اسلام است.	لزوم تعظیم شعائر دینی مورد

ردیف	متن	مضامین پایه
۲۲	ما اگر این شعارها را حفظ کنیم، می‌توانیم روح اسلامی خودمان را در شعائر اسلامی و روح ملی خودمان را در شعائر ملی حفظ کنیم.	روحیه اسلامی با حفظ شعارهای دینی حفظ می‌شود.
۲۳	حوزه‌های علمیه ما باید از محدودیت‌های مصنوعی که خود برای خود به وجود آورده‌اند، خارج گردد و کالاهای فرهنگی خود را در زمینه‌های مختلف معنوی، فلسفی و اخلاقی، حقوقی، روانی، اجتماعی، تاریخی باکمال افتخار و سربلندی به جهان دانش عرضه نمایند.	جامعه باید حامی شعائر دینی باشد.
۲۴	نهضت اسلامی ایران مفترخ است که در حال حاضر رهبری آن را مراجعی آگاه و شجاع و مبارز بر عهده گرفته‌اند که نیازهای زمان را تشخیص می‌دهند، با مردم همدردند، سودای اعلای اسلام دارند، یأس و نومیدی و ترس را که از جنود ابليس است به خود راه نمی‌دهند.	حوزه‌های علمیه باز از محدودیت‌های، در فعالیت‌های مدنی شرکت کند و از انزوا خارج شود.
۲۵	واضح است که توجه و بی‌توجهی قشری که مسئولیت هدایت و رهبری و رعایت و پاسداری جامعه خود را دارند، از نظر آگاهی به اوضاع، اهمیت فوق العاده بیشتری دارد.	حوزه‌های علمیه و مراجع عظام، نقش مهمی در ترویج نهضت اسلام و فرهنگ دینی دارند.
۲۶	حوزه‌های علمیه و محیط‌های روحانی ما مسئول پاسداری ایمان جامعه اسلامی و دفاع از اصول و فروع دین مقدس اسلام از دیدگاه مذهب شیعه و تعلیم و تبلیغ آنها و عهده‌دار پاسخ‌گویی به نیازهای مذهبی مردم مسلمان‌اند.	بی‌توجهی نیروهای دینی و مذهبی منجر به فراموشی و ارزش‌های اجتماعی آن خواهد بود.
۲۷	عدالت یعنی حسن روابط اجتماعی، و ظلم، گسیختگی روابط اجتماعی است. حال اگر یک ملتی مسلمان و با ایمان باشند،	حوزه‌های علمیه مسئول پاسداری جامعه هستند.
		حوزه‌های باز باید مترصد پاسخ‌گویی به شباهات و سؤالات جدید بشریت باشند.
		حوزه‌های علمیه عامل ارتقاء ایمان جامعه اسلامی هستند.

ردیف	متن	مضامین پایه
۲۷	خداشناس به قول خودشان باشدند، خودشان را ملت قرآن حساب کنند و فریاد «اَشْهَدُ اِنَّ لَا إِلَهَ اِلَّا اللَّهُ» و «اَشْهَدُ اِنَّ مُحَمَّداً رَسُولَ اللَّهِ» و «اَشْهَدُ اِنَّ عَلَيْاً وَلِيُّ اللَّهِ» آنها به آسمان بلند باشد، اما آن اصلی که قرآن می‌گوید: «لِيَقُومَ الْتَّالِسُ بِالْقِسْطِ» اصلاً در میانشان برقرار نباشد و وقتی روابط اجتماعی آنها را می‌بینید سراسر فساد و دروغ و تهمت و فحشا و ظلم و ستم است، قرآن نه تنها مدعی نیست که چنین ملتی قابل بقاست بلکه مدعی است که اینها قابل بقا نیستند و همه اینها از آن اصل ریشه می‌گیرد که هر فردی و هر ملتی اگر از راهی بروند، به مقصدی که در نهایت آن راه قرار گرفته است، می‌رسند ولی اگر به راهی نزوند، انتظار رسیدن به مقصد آن راه را هم نباید داشته باشند.	خداشناس به قول خودشان باشدند، خودشان را ملت قرآن حساب کنند و فریاد «اَشْهَدُ اِنَّ لَا إِلَهَ اِلَّا اللَّهُ» و «اَشْهَدُ اِنَّ مُحَمَّداً رَسُولَ اللَّهِ» و «اَشْهَدُ اِنَّ عَلَيْاً وَلِيُّ اللَّهِ» آنها به آسمان بلند باشد، اما آن اصلی که قرآن می‌گوید: «لِيَقُومَ الْتَّالِسُ بِالْقِسْطِ» اصلاً در میانشان برقرار نباشد و وقتی روابط اجتماعی آنها را می‌بینید سراسر فساد و دروغ و تهمت و فحشا و ظلم و ستم است، قرآن نه تنها مدعی نیست که چنین ملتی قابل بقاست بلکه مدعی است که اینها قابل بقا نیستند و همه اینها از آن اصل ریشه می‌گیرد که هر فردی و هر ملتی اگر از راهی بروند، به مقصدی که در نهایت آن راه قرار گرفته است، می‌رسند ولی اگر به راهی نزوند، انتظار رسیدن به مقصد آن راه را هم نباید داشته باشند.
۲۸	این است که آینده ما جز این که بر پایه همان عدالت اسلامی و ارزش‌های اسلامی باشد، قابل بقا نیست.	بدون عدالت نمی‌توان به مقاصد الهی دست یافت.
۲۹	اگر یک جامعه عادل و متعادل باشد، قابل بقا هست، هرچند مردمش کافر باشند؛ اگر ظلم و اجحاف درنتیجه تفاوت‌ها و پستی و بلندی‌ها و ناهمواری‌ها در جامعه‌ای پیدا شد، آن جامعه باقی نمی‌ماند، هرچند مردمش به‌حسب عقیده مسلمان باشند.	آینده نظام اسلامی در گروهی نهادینه‌سازی عدالت است.
۳۰	علمای امت که در اسلام وظایف بسیار سنگینی به عهده‌شان گذاشته شده، باید این پیچ و لولاه را گردش دهند و به حرکت درآورند. آنها هستند که باید بفهمند واجب کفایی در چیست و آنها هستند که باید خصوصیات زمان خودشان را تشخیص بدهند و بعد بگویند آن واجب کفایی اسلام، در این زمان با وسائل انجام می‌شود و در زمان دیگر با وسائل دیگر، اینها را به‌حسب زمان‌ها تشخیص بدهند. پس معلوم می‌شود که اجتهاد و عقل نقشی بسیار اساسی در این مسائل دارند.	بقای نظام اسلامی نیازمند عدل و انصاف است.
۳۱	زیرا قدر مسلم این است که هرگونه صلاح و اصلاحی در کار مسلمین رخ دهد یا باید مستقیماً به‌وسیله این سازمان که سمت رسمی رهبری دینی مسلمین را دارد صورت بگیرد، یا لااقل این	مشکلات نظام اسلامی از طریق عدل، مرتفع خواهد شد.

ردیف	متن	مضامین پایه
	سازمان با آن هماهنگی داشته باشد.	اصلاح نظام اسلامی در گروی ارتباط نهاد دین با مردم است.
۳۲	اولاً باید علم و اطلاعش به مبانی دین کافی باشد، باید اسلام را کاملآ بشناسد، به روح تعلیمات اسلامی آگاه باشد. ثانیاً تنها دانستن و شناختن دین برای مصلحت‌گویی کافی نیست؛ جامعه را باید بشناسد.	شناخت صحیح اسلام و آگاهی از مختصات آن لازمه نظام دینی است.
۳۳	تا آن تفکر صحیح را به دست نیاوریم، خود ما که مسلمانیم از مسلمانی خود نتیجه نمی‌گیریم.	شناخت و آگاهی از مسائل اجتماعی و دینی، امری لازم برای اجتماع اسلامی است.
۳۴	احیاء تفکر اسلامی به این معنی است که اصول فکری اسلام را درباره جهان، انسان، اجتماع احیا کنیم.	فکر دینی باید در جامعه نهادینه شود.
۳۵	این است که معتقد می‌شود به تجدید حیات اسلامی که حیات اسلامی را باید تجدید کرد و امکان تجدیدش هست؛ چون اسلام نمرده است، مسلمین مرده‌اند.	وظیفه مسئولان کشورهای اسلامی، احیاء تفکر اسلامی است.
۳۶	درد معنویت بشر را سلب مالکیت به تنها یی کفایت نمی‌کند. عدالت اجتماعی لازم است نه سلب مالکیت، زیرا اگر در جامعه‌ای عدالت اجتماعی برقرار نباشد، پایه معنویت هم متزلزل خواهد بود.	بخش مهمی از مشکلات جهان اسلام ناشی از طرز تفکر مسلمین است که باید اصلاح شود.
۳۷	منطق اسلام این است که معنویت را با عدالت توأم با یکدیگر می‌باید در جامعه برقرار کرد.	برای مانای نظام سیاسی اسلام، عدالت توأمان با معنویت لازم است.
	در جامعه خودمان اگر به گفته‌ها و نوشته‌های پنجاه سال پیش نگاه کنیم، می‌بینیم که درباره معنویت زیاد سخن گفته‌اند، اما درباره ندارد.	پیوند عدالت و معنویت منجر به استقرار نظام اجتماعی خواهد شد که به دور از ناراحتی و مشکلات است.

ردیف	متن	مضامین پایه
	عدالت یا سخن نگفته‌اند و یا بسیار کم گفته‌اند. حالا که تحول پیداشده، درباره عدالت سخن گفته می‌شود ولی گویا مد شده که درباره معنویت زیاد سخن گفته نشود.	دوری از معنویت منجر به بی‌معنایی عدالت می‌شود.
۳۸	کار اساسی این است که مردم ایمان پیدا کنند که مبارزه سیاسی یک وظیفه شرعی و مذهبی است. تنها در این صورت است که تا رسیدن به هدف از پای نخواهند نشست. مردم در غفلت‌اند که از نظر اسلام، سیاست از دین و دین از سیاست جدا نیست. پس همبستگی دین و سیاست را باید به مردم تفهیم کرد.	دین از سیاست جدا نیست. همبستگی و پیوند عمیق بین دیانت و سیاست برقرار است. غفلت مردم از سیاسی بودن دین یک تهدید است. فعالیت سیاسی یک وظیفه شرعی برای مذهبیون است.
۳۹	روحانیت نه به طور مجموعه و دستگاه روحانیت باید وابسته به دولت بشود و نه افرادی از روحانیون بیایند پست‌های دولتی را به جای دیگران اشغال کنند، بلکه روحانیت باید همان پست خودش را که ارشاد و هدایت و نظارت و مبارزه با انحرافات حکومت‌ها و دولت‌های است، حفظ بکند.	روحانیت نباید به دولت وابسته باشد. روحانیت باید مترصد اشتغال در مناصب دولتی باشد. رسالت روحانیت نیز ارشاد و هدایت و مبارزه برای استقرار نظام اسلامی است.
۴۰	پرورش عقل و فکر و کسب استقلال فکری و مبارزه با اموری که بر ضد استقلال عقل است، مورد عنایت شدید اسلام است.	استقلال فکری، از دستورات اسلام در برابر مشکلات است.
۴۱	اسلام برای عقل به عنوان یک امری که در همه حال مناطق تکلیف انسان است و برای وجود انسانی، استقلال قائل است.	عقل امری حائز اهمیت در اسلام برای پیشبرد امور است.
۴۲	برای یک فرد انسان یا یک ملت، شایسته نیست که کورکورانه از شخص یا ملتی تقليد کند. فرد یا ملتی که قادر شخصیت عقلی و استقلال فکری باشد، سزاوار نام شریف انسانیت نیست.	حفظ شخصیت عقلی و استقلال فکری امری شایسته است.
۴۳	اسلام جامعه‌ای می‌خواهد، عزیز و مستقل و منکی به خود. اسلام نمی‌پسندد که یک ملت مسلمان، زیردست و توسری‌خور یک ملت غیرمسلمان بوده باشد. اسلام نمی‌پسندد که جامعه اسلامی استقلال اقتصادی یا اجتماعی نداشته باشد.	کسب استقلال، عزت و شکوفایی، نیازمند تعالی فکری و استقلال در عرصه فکر و دانش است.

ردیف	متن	مضامین پایه
۴۴	<p>عمده این است که این نهضت توانست یک موقیت بسیار بزرگ کسب کند و آن این است که خودباختگی در مقابل غرب به معنای اعم (یعنی بلوک غرب و بلوک شرق) را از ملت ما می‌گیرد و به ملت ما می‌گوید تو خودت یک مکتب و یک فکر مستقل داری، از نظر علمای جامعه‌شناسی این مطلب ثابت شده که همین طور که یک فرد روح دارد یک جامعه هم روح دارد، هر جامعه‌ای که دارای فرهنگی هست، فرهنگ آن جامعه روح آن جامعه را واقعاً تشکیل می‌دهد و اگر در نهضتی کسی بتواند روی آن روح جمعی انگشت بگذارد و آن روح را زنده کند، تمام اندام جامعه را یکجا به حرکت درمی‌آورد.</p>	<p>خودباختگی آفت نهضت دینی است و فکر مستقل راهبرد مکتب اسلام برای تعالی فرد و جامعه است.</p>
۴۵	<p>یکی از هدف‌های اسلام که از مسلمین تأمین آن را خواسته است، اتحاد و اتفاق مسلمین است.</p>	<p>اتحاد و اتفاق مسلمین هدف اسلام است.</p>
۴۶	<p>ببینید احساس مسئولیت در نزد خدا برای مردم دیگر در چه حد است!... جمله «إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا» معنایش این است که ما خود را مستثول شما مساکین و شما یتیم‌ها و شما اسیرها می‌دانیم، ما از خدای خود به خاطر این مسئولیتی که درباره شما داریم، می‌ترسیم.</p>	<p>احساس مسئولیت، لازمه پذیرش مناسب در نظام دینی است.</p>
۴۷	<p>هرجا مردمی واقعاً اسلام را پذیرند و به دستورات اسلام عمل بکنند، همین خاصیت رشد و تزايد و تکامل و استقلال و روی پای خود ایستاند و دیگران را به حیرت و تعجب واداشتن را دارند.</p>	<p>عمل به دستورات و تکالیف دینی عامل تکامل و استقلال نظام اسلامی خواهد بود.</p>
۴۸	<p>دنیا را می‌بینند که روبه پیشرفت است، علمای دنیا را می‌بینند، قدرت‌های اقتصادی دنیا را می‌بینند، قدرت‌های سیاسی و نظامی دنیا را می‌بینند؛ دموکراسی‌های دنیا را می‌بینند، برابری‌ها را می‌بینند، حرکت‌ها را می‌بینند، جوان است، احساسش عالی است، و حق هم دارد، می‌گوید ما چرا باید عقب مانده‌تر باشیم؟ نسل قدیم سنگینی بار تسلط‌های خارجی را روی دوش خود احساس نمی‌کرد،</p>	<p>رشد و ترقی اجتماع به عمل امت اسلامی نسبت به فرامین الهی بستگی دارد.</p>

ردیف	متن	مضامین پایه
	و نسل جدید احساس می‌کند. آیا این گناه است؟ خیر، گناه نیست بلکه خود این احساس یک پیام الهی است. اگر این احساس نبود معلوم می‌شد ما محکوم به عذاب و بدیختی هستیم. حالا که این احساس پیدا شده، نشانه این است که خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد ما را از این بدیختی نجات بدهد.	
۴۹	یکی از خاصیت‌های بزرگ دین مقدس اسلام، اعتدال و میانه‌روی است. امت و قوم و جمعیتی که واقعاً و حقیقتاً دست‌پرورده قرآن کریم باشد، از افراط و تفریط، از کندروی و تندری، از چپ‌روی و راست‌روی، از همه اینها برکنارند.	از تأکیدات آموزه‌های اسلامی، اعتدال و میانه‌روی است.
۵۰	یکی از علامت‌های مسلمانی، پیدا کردن راه معتدل و میانه است که میان راههای افراطی و تفریطی، میان تندری‌ها و کندروی‌ها است.	دوری از افراط و تفریط، تأکید قرآن کریم است.

## ۲. تبدیل مضامین اولیه به مضامین فراگیر

در این بخش، کدهای عام و مضامین پایه که از متون شهید مطهری استخراج شدند، به مضامین فراگیر و سازماندهی تبدیل می‌شوند تا بستر توصیف شبکه مضامین فراهم شود.

### جدول شماره ۲. تبدیل مضامین پایه به مضامین فراگیر

شماره	متن	مضامین فراگیر
۱	باید نگرش‌ها را نسبت به دین تغییر داد و اسلام ناب را درک کرد.	اصلاح نگرش نسبت به اسلام
۲	تصحیح تصاویر و برداشت‌ها از اسلام امری ضروری است.	
۳	باید از طریق روش‌های صحیح به اسلام رجوع کرد.	
۴	غرب از اسلام هراس دارد و فرد مسلمان باید از هویت حقیقی دینی خود نسبت هویت‌های دیگر حراست نماید.	
۵	شناخت صحیح ایدئولوژی اسلام عامل کشف حقایق بشری و معرفت نسبت به اسلام است.	
۶	افراد باید از تحجر و اندیشه‌های انحرافی دوری نمایند.	پرهیز از تحجر گرایی
۷	اسلام به وجود مختلف زندگی انسان برای تکامل توجه دارد.	ترویج نگرش چندبعدی به اسلام
۸	زیست اجتماعی انسان نیازمند ترویج نگاه چندبعدی به دین اسلام برای پیمودن صحیح راه تمدن‌سازی است.	

شماره	متن	مضامین فرآگیر
۹	انقلاب‌های دینی برای تعالیٰ نیازمند توجه به وجود مختلف دین برای تعالیٰ هستند.	
۱۰	اسلام صرفاً مربوط به یک طبقه گروه یا جنسیت خاص نیست بلکه امری جامع و دارای شمولیت است و به همین دلیل، دینی چندبعدی و برای نیازها و شرایط مختلف است.	
۱۱	اسلام یک دین صرفاً معنوی نیست بلکه ابعاد مختلفی دارد و ضمن توجه به انقلاب معنوی، متعدد انقلاب سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام است.	
۱۲	باید از تحریف و بدعت در دین جلوگیری کرد.	جلوگیری از تحریف و بدعت
۱۳	رسالت انبیاء، حفظ دین و جلوگیری از بدعت‌های خرافی بوده است.	
۱۴	تحریف در دین منجر به انحرافات بزرگ در جامعه خواهد شد.	
۱۵	سعادت جامعه دینی به عدم تحریف تعلیمات اسلام بستگی دارد.	
۱۶	حسن تشخیص و حسن استنباط از منابع اسلامی منجر به تشکیل اجتماع متكامل می‌شود.	حسن تشخیص و استنباط
۱۷	استنباط صحیح از منابع اسلامی عامل پاسخ‌گویی صحیحی به مسائل نوین بشری می‌شود.	احکام
۱۸	تفرقه و دوری از وحدت، مانع ترویج روح توحید در جامعه می‌شود.	روحیه توحیدی در وحدت دینی
۱۹	مفاهیم واقعی اسلام ترویج کننده وحدت و اتحاد دینی هستند.	
۲۰	شناخت منطق اسلام امری ضروری برای امت اسلامی است.	شناخت صحیح اسلام
۲۱	سیره انبیاء نشان می‌دهد که شناخت صحیح اسلام، از امور مهم و اساسی در نظام دینی است.	
۲۲	شناخت درست و منطقی اسلام مانع ترویج افکار ماتریالیستی در بین جوامع اسلامی می‌شود.	
۲۳	ایمان لازمه حیات امت اسلامی است.	ایمان راستین
۲۴	بدون ایمان نمی‌توان به حیات سعادتمدانه ادامه داد.	
۲۵	موقع گیری صحیح در برابر مسائل اخلاقی و اجتماعی نیازمند ایمان راستین است.	
۲۶	ایمان حالتی قلبی، فکری و اعتقادی است که مربوط به حقیقت انسان است.	

شماره	متن	مضامین فرآگیر
۲۷	تقویت جایگاه اسلام به ارتقاء ایمان راستین پیروان بستگی دارد.	
۲۸	قوی بودن امت به وسیله ایمان راستین، منجر به حراست از اسلام می‌شود.	
۲۹	ایمان مذهبی، عامل تحقق آرمان‌های دینی و تعالی اجتماع در حوزه‌های مختلف اجتماع می‌شود.	
۳۰	پایبندی به دین اسلام منجر به پیشرفت و سعادت ملت می‌شود.	
۳۱	پایبندی به مضامین و محتوای قرآن باید در مسائل حقوقی، اخلاقی، فلسفی، عرفانی، علمی و... هویدا باشد.	
۳۲	بقای جامعه بشری با معنویت پیوند خورده است.	معنویت‌گرایی
۳۳	جامعه نیازمند معنویت است و مکاتب مختلف بر آن تأکید دارند.	
۳۴	احیای معنویت از ملزمات جامعه دینی است.	
۳۵	اخلاص از مسائل مهم در نهضت مذهبی است.	اخلاص در امور
۳۶	باید با هوا و هوس در نظام اسلامی مقابله کرد و اخلاص را مدنظر داشت.	
۳۷	شناخت خود لازمه تعالی فردی و جمعی است.	
۳۸	مصلحان اجتماعی باید مترصد تقویت خودشناسی باشند.	
۳۹	دوری از خودباختگی و رجوع به منِ حقیقی و خود واقعی انسان، عامل تعالی فرد و اجتماع است.	
۴۰	درک و فهم خویشتن از تأکیدات اسلام است.	خودشناسی
۴۱	قرآن کریم توصیه دارد که افراد باید خود را بشناسند.	
۴۲	شناخت حقیقت وجودی توسط هر فرد مسلمانی مورد تأکید دین است.	
۴۳	آگاهی و بصیرت نسبت به اسلام راستین، امری ضروری است.	
۴۴	آگاهی سیاسی مسلمین و مشارکت از روی دانش و معرفت در اسلام، امری لازم است.	
۴۵	بازگشت به اسلام راستین رمز مقابله با ضعفها و تهدیدات است.	آگاهی، بصیرت و بازگشت به خویشتن
۴۶	مبازه با خرافات و بازگشت به آموزه‌های وحیانی مورد تأکید اندیشمندان اسلامی است.	

شماره	متن	مضامین فرآگیر
۴۷	امریه معروف و نهی از منکر منجر به خروج از وضعیت نامطلوب می‌شود.	امریه معروف و نهی از منکر و اصل اجتماعی است.
۴۸	امریه معروف و نهی از منکر یک اصل اجتماعی است.	
۴۹	امریه معروف برآمده از مسئولیت و تعهد فردی و جمعی در اسلام است.	
۵۰	امریه معروف و نهی از منکر منجر به توجه جامعه نسبت به کاستی‌ها می‌شود.	
۵۱	اصلاح نظام سیاسی و اجتماعی وابسته به امریه معروف و نهی از منکر است.	
۵۲	امریه معروف منجر به اصلاح محیط جمعی و روح اجتماع می‌شود.	
۵۳	لزوم تعظیم شعائر دینی مورد تأکید آموزه‌های اسلام است.	احترام جامعه به شعائر اسلامی
۵۴	روحیه اسلامی با حفظ شعارهای دینی حفظ می‌شود.	
۵۵	رجوع به شعارهای غیردینی منجر به دوری از جریان اسلام ناب می‌شود.	
۵۶	جامعه باید حامی شعائر دینی باشد.	
۵۷	حوزه علمیه باید فراتر از محدودیت‌ها، در فعالیت‌های مدنی شرکت کند و از انزوا خارج شود.	حوزه انقلابی و دور شدن از انزوا
۵۸	حوزه‌های علمیه باید محصولات و کالاهای خود را به جامعه ارائه دهند.	
۵۹	حوزه‌های علمیه و مراجع عظام نقش مهمی در ترویج نهضت اسلام و فرهنگ دینی دارند.	
۶۰	بی‌توجهی نیروهای دینی و مذهبی منجر به فراموشی و ارزش‌های اجتماعی آن خواهد بود.	
۶۱	حوزه‌های علمیه مسئول پاسداری جامعه هستند.	
۶۲	حوزه‌ها باید مترصد پاسخ‌گویی به شباهات و سوالات جدید بشریت باشند.	
۶۳	حوزه‌های علمیه عامل ارتقاء ایمان جامعه اسلامی هستند.	
۶۴	عدالت مورد تأکید اسلام است.	ترویج عدالت‌گرایی
۶۵	قرآن مسلمانان را توصیه به روابط اجتماعی عادلانه می‌نماید.	
۶۶	بدون عدالت نمی‌توان به مقاصد الهی دست یافت.	
۶۷	آینده نظام اسلامی در گروی نهادینه‌سازی عدالت است.	
۶۸	بقای نظام اسلامی نیازمند عدل و انصاف است.	
۶۹	مشکلات نظام اسلامی از طریق عدل مرتفع خواهد شد.	

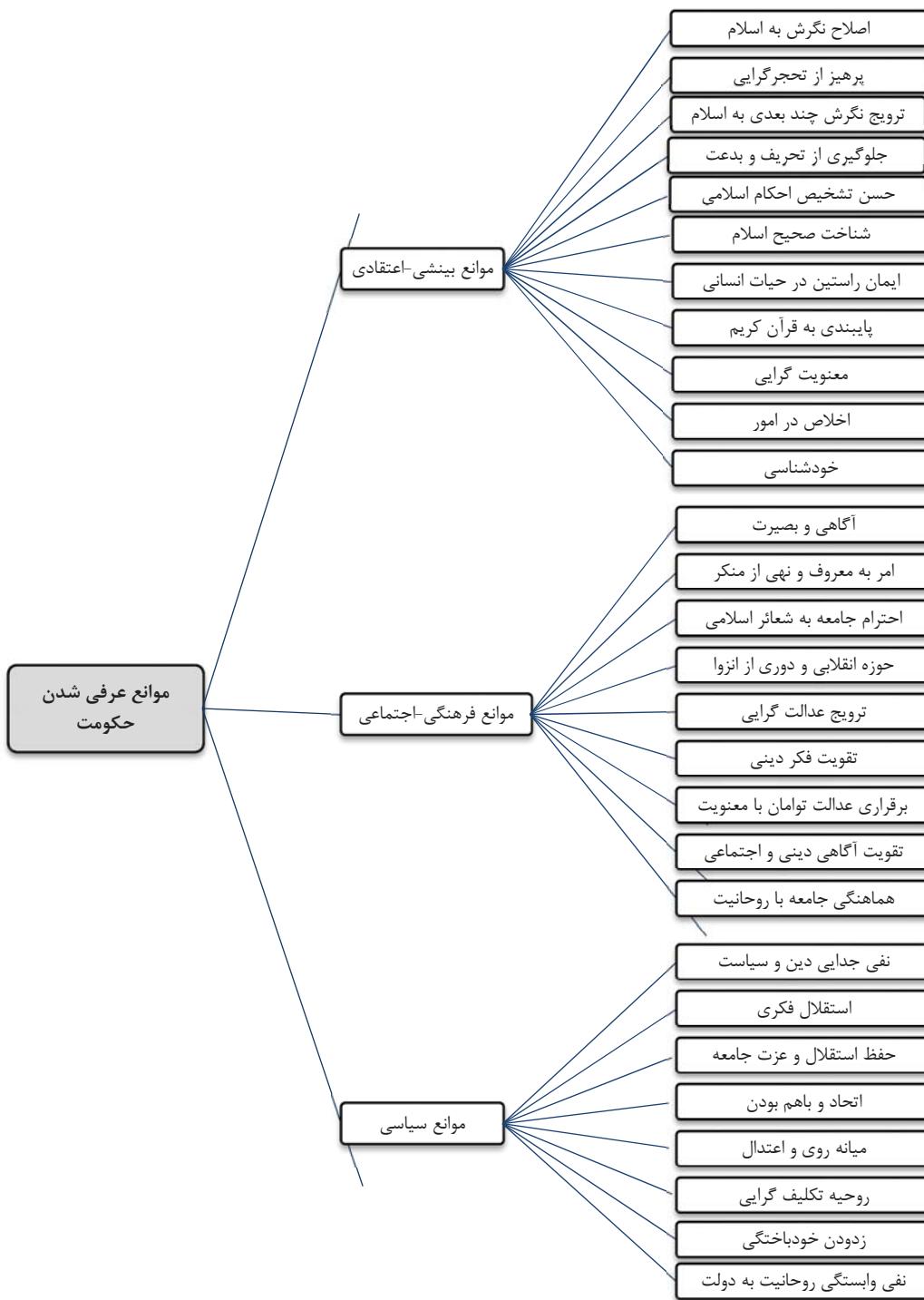
شماره	متن	مضامین فرآگیر
۷۰	حوزه‌های علمیه و روحانیت با اجتماع باید در ارتباط باشند و لازم است با مردم هماهنگی داشته باشد.	
۷۱	علمای امت خواهان استعانت از عقل و اجتهاد برای حل مشکلات مردم هستند.	هماهنگی جامعه اسلامی با روحانیت
۷۲	ترقی جهان اسلام نیازمند همراهی و ارتباط روحانیت و مردم است.	
۷۳	اصلاح نظام اسلامی درگروی ارتباط نهاد دین با مردم است.	
۷۴	شناخت صحیح اسلام و آگاهی از مختصات آن لازمه نظام دینی است.	
۷۵	شناخت و آگاهی از مسائل اجتماعی و دینی امری لازم برای اجتماع اسلامی است.	ارتقاء آگاهی اجتماعی و دینی
۷۶	فکر دینی باید در جامعه نهادینه شود.	
۷۷	وظیفه مسئولان کشورهای اسلامی، احیاء تفکر اسلامی است.	
۷۸	بخش مهمی از مشکلات جهان اسلام ناشی از طرز تفکر مسلمین است که باید اصلاح شود.	
۷۹	برای مانایی نظام سیاسی اسلام، عدالت توأم با معنویت لازم است.	
۸۰	پیوند عدالت و معنویت منجر به استقرار نظام اجتماعی خواهد شد که به دور از ناراحتی و مشکلات است.	توأمی عدالت و معنویت
۸۱	عدالت بدون معنویت معنایی ندارد.	
۸۲	دوری از معنویت منجر به بی‌معنایی عدالت می‌شود.	
۸۳	دین از سیاست جدا نیست.	
۸۴	همبستگی و پیوند عمیقی بین دیانت و سیاست برقرار است.	ترویج ایده عدم جدایی دین از سیاست
۸۵	غفلت مردم از سیاسی بودن دین یک تهدید است.	
۸۶	فعالیت سیاسی یک وظیفه شرعی برای مذهبیون است.	
۸۷	روحانیت باید به دولت وابسته باشد.	جلوگیری از وابستگی روحانیت به دولت
۸۸	رسالت روحانیت نیز ارشاد و هدایت و مبارزه برای استقرار نظام اسلامی است و باید برای آن ارزش زیادی قائل باشد.	
۸۹	استقلال فکری از دستورات اسلام در برابر مشکلات است.	استقلال فکری
۹۰	عقل امری حائز اهمیت در اسلام برای پیشبرد امور است.	
۹۱	حفظ شخصیت عقلی و استقلال فکری امری شایسته است.	

شماره	متن	مضامین فرآگیر
۹۲	کسب استقلال، عزت و شکوفایی نیازمند تعالی فکری و استقلال در عرصه فکر و دانش است.	
۹۳	خودباختگی آفت نهضت دینی است و فکر مستقل، راهبرد مکتب اسلام برای تعالی فرد و جامعه است.	
۹۴	مسئولیت امری خطیر و مهم در نظام اجتماعی است که باید مورد توجه قرار بگیرد.	عمل به دستورات الهی در نظام سیاسی و اجتماعی
۹۵	احساس مسئولیت لازمه پذیرش مناسب در نظام دینی است.	
۹۶	عمل به دستورات و تکالیف دینی عامل تکامل و استقلال نظام اسلامی خواهد بود.	
۹۷	رشد و ترقی اجتماع به عمل امت اسلامی نسبت به فرامین الهی بستگی دارد.	
۹۸	حس تکلیف و فکر در مورد تکالیف مدنی در افراد یکی از بایسته‌های نظام اسلامی است.	روحیه تکلیف‌گرایی
۹۹	از تأکیدات آموزه‌های اسلامی، اعتدال و میانه‌روی است.	میانه‌روی و اعتدال
۱۰۰	دوری از افراط و تفریط، تأکید قرآن کریم است.	
۱۰۱	میانه‌روی و اعتدال لازمه حیات اسلامی است.	

### ۳. کشف و توصیف شبکه مضامین

در این بخش، ضمن ارائه شبکه مضامین موانع عرفی شدن در اندیشه شهید مطهری، کدهای مستخرج از متن ایشان مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

در نگاه شهید مطهری موانع عرفی شدن نظام سیاسی را در سه مؤلفه می‌توان بررسی کرد که شامل موانع در ابعاد بینشی اعتقادی، فرهنگی اجتماعی و سیاسی است. در بعد بینشی شهید مطهری به مواردی مانند اصلاح نگرش نسبت به اسلام و معرفت صحیح نسبت به مبانی دینی و دوری از تحجرگرایی اشاره کرد؛ یعنی اگر امت اسلامی تابع موارد ذیل باشند، می‌توانند مصونیت پیدا کنند. در باب بعد فرهنگی – اجتماعی به عنوان موانع عرفی شدن، شهید مطهری به مواردی چون آگاهی و بصیرت، حوزه انقلابی، امریکه معروف و نهی از منکر اشاره کرد که در منظر شهید، اگر در بعد فرهنگی به این موارد توجه شود، جامعه اسلامی صیانت می‌گردد. در بعد سیاسی نیز شهید مطهری جهت دوری از جدایی دین از سیاست به مواردی مانند استقلال فکری، خودباوری و دوری از خودباختگی، اعتدال و مواردی از این قبیل توجه داشتند.



نمودار ۱. شبکه مضامین موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اندیشه شهید مطهری

### نتیجه

حکومت اسلامی بر مبنای ارزش‌های اسلامی شکل گرفته و استمرار پیدا می‌کند. تثبیت و استمرار حکومت اسلامی نیازمند حضور دائم و فعال ارزش‌های دینی است. در مواردی ارزش‌های اسلامی دچار استحاله می‌شوند و بهدلیل تفسیرهای غلط یا انحراف ایجاد شده، در انزوا قرار می‌گیرند که دری بآن هرجو و مرج فکری و عملی در جامعه ایجاد می‌گردد که نتیجه نهایی آن می‌تواند حضور فعال ارزش‌های غیردینی و حتی ضددینی باشد که تحت عنوان عوامل عرفی شدن نظام سیاسی تعریف می‌گردد. در این مقاله تلاش شد تا به این سؤال پاسخ داده شود که موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اندیشه شهید مطهری چیست؟ به عبارتی با چه ابزارهای نهفته در ذات اسلام می‌توان از عرفی شدن نظام دینی اجتناب کرد. این مسئله در سه محور اسلام و رفتار مسلمین و نفوذ استعمار قابلیت پردازش دارد و آنچه از بررسی‌ها از آثار مكتوب شهید مطهری با استفاده از روش تحلیل مضمون به دست می‌آید، بر این مبحث علمی استوار است که در ذات اسلام نقصی قابل تصور نیست و آنچه باعث دین‌گریزی و عرفی شدن نظام سیاسی را سبب می‌شود، ناشی از رفتار و عملکرد امت اسلامی است و با نقض مبانی اسلامی در رفتار مسلمین، نظام استعماری نیز از این فرصت ایجاد شده بهره‌برداری می‌کند و بر پیکر اسلام، عرفی شدن را تحمیل می‌کند. در پژوهش حاضر تلاش شد تا با استناد بر آثار مكتوب شهید مطهری، به عوامل بینشی - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی به عنوان عوامل و زمینه‌های دور شدن جامعه اسلامی از عرفی شدن پرداخته شود. حاصل پژوهش این که اصلاح نگرش نسبت به دین اسلام، خودباوری، نگرش چندبعدی به اسلام، استقلال سیاسی، معرفت منطقی به اسلام و اخلاص در کارها و امر به معروف و نهی از منکر و مانند آنها حکایت از این دارند که موانع عرفی شدن نظام سیاسی از نگاه شهید مطهری در سه بعد: ۱. بینشی اعتقادی ۲. فرهنگی و اجتماعی ۳. سیاسی ریشه دارد که در صورت توجه جامعه اسلامی صیانت پیدا می‌کند. به عبارتی در صورتی که امت اسلامی بر سه عامل فوق توجه کنند و تئوری و عملکرد خود را بر اساس مسائل بینشی - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی منطبق بر مبانی اسلام انتخاب کنند، جهان اسلام دچار تلاطم فکری و عملی نخواهد شد و عرفی شدن نظام سیاسی در جامعه اسلامی رخنه نخواهد کرد.

### منابع و مأخذ

۱. بخت‌آزمای بناب، محمد و منتظر خراسان، حجت، ۱۳۹۶، «بررسی روش تحلیل مضمون در تحقیقات با رویکرد کیفی»، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع.

۲. درخشش، جلال و همکاران، ۱۳۹۴، «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت الله خامنه‌ای»، *فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر*، دوره ۲، ش ۱۷، ص ۷۲ - ۵۳.
۳. قدردادن قرامکی، محمدحسن، ۱۳۸۵، *حکومت دینی از منظر استاد شهید مطهری*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۴. مطهری مرتضی، ۱۳۷۸، *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران، انتشارات صدرا.
۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، *مقدمه‌ای بر جهانبینی اسلامی*، ج ۴ - ۱، تهران، انتشارات صدرا.
۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۸، *بیست گفتار*، تهران، انتشارات صدرا.
۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۰، *هدف زندگی*، تهران، انتشارات صدرا.
۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۱، *قیام و انقلاب مهدی*، تهران، انتشارات صدرا.
۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، *خدای در زندگی انسان*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰، *روحانیت*، تهران، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰، *سیری در سیره نبوی*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱، *نظام حقوقی زن در اسلام*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، *اسلام و مقتضیات زمان*، ج ۲، تهران، انتشارات صدرا.
۱۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، *امامت و رهبری*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، *اسلام و مقتضیات زمان*، ج ۱، تهران، انتشارات صدرا.
۱۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، *پیامون جمهوری اسلامی*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، *آشنایی با قرآن*، ج ۳ - ۱، ۱۴ - ۱۳، تهران، انتشارات صدرا.
۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، *یادداشت‌های استاد مطهری*، ج ۹، تهران، انتشارات صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، *حمسه حسینی*، ج ۲ - ۱، تهران، انتشارات صدرا.
۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، *احیاء تفکر اسلامی*، تهران، انتشارات صدرا.
۲۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، *حج*، تهران، انتشارات صدرا.

۲۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۱، پانزده گفتار، تهران، انتشارات صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴، پنج مقاله، تهران، انتشارات صدرا.
۲۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، انسان‌شناسی قرآن، تهران، انتشارات صدرا.
۲۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، آینده انقلاب اسلامی ایران، تهران، انتشارات صدرا.
۲۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، شش مقاله، تهران، انتشارات صدرا.
۲۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، احیاء تفکر اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.
۳۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، انقلاب اسلامی از دیدگاه فلسفه تاریخ، تهران، انتشارات صدرا.
۳۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، حکمت‌ها و اندازه‌ها، ج ۲، تهران، انتشارات صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، مسئله شناخت، تهران، انتشارات صدرا.
۳۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، امدادهای خوبی در زندگی پیش، تهران، انتشارات صدرا.
۳۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، انسان و سرنوشت، تهران، انتشارات صدرا.
۳۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، انتشارات صدرا.
۳۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۷، علل گروایش به مادی‌گری، تهران، انتشارات صدرا.
۳۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۸، عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا.

